

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سر دبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حعفر پویه

زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

۲۰ یورو
۳۳ دلار
۵۱ دلار

اروپا معادل
آمریکا و کانادا و سوئد
استرالیا

نقدی بر یادداشت سیاسی

یادداشت و گزارش

بقیه از صفحه ۱۵

بیست و پنج سال در زیر سایه پر و بال ولی فقیه لنگر انداخته بودند، اکنون که با سپاه بدر و قدرشان همگی در رکاب خلیفه بغداد نشسته اند، و بخش بزرگی از معتمدین ایالات متحده را تشکیل می دهند؟! از آن گذشته، نتیجه عملی بستن مقاومت مردم عراق به جمهوری اسلامی و این گونه وانمود کردن که گویا هر اقدامی که در عراق بر علیه اشغالگران صورت می گیرد، سرخ اش را در تهران باید جست، چیست؟ آیا غیر از آن چیزی است که حزب دموکرات و امثالهم همان روز اول بی پرده گفتند، و آقای علیرضا جعفرزاده "مفسر تلویزیون فاکس" امروز نیم پرده فرمودند؟

دوست عزیز،

به راستی که روشنفکران ما سرگیجه گرفته اند. به تناقض گویی های آشکار افتاده اند. درست مثل روزهای فروپاشی بلوک شرق و آوار شدن دیوار می ماند. آن روزها هم خیلی ها سرگیجه گرفته بودند. شما خیلی بهتر از من و ما می دانید که چطور خیلی ها به پرت و پلا گویی افتاده بودند. مثلاً، آقای میرفطوسی که زمانی حلاج فلک زده را هم مارکسیست می نامید، ناگهان در قیافه میرپنج فرشته نجات ایران را یافت که مستی ابله و ضدملی هم چون تقی ارانی بر علیه اش قیام کرده بودند. بسیاری اصلاً تمامی مشکلات مالی و خانوادگی شان را هم به پای "لنین کچل" می نوشتند. برخی که با ادب تر بودند، راه حل همه مشکلات را در بازار جست و جو می کردند. در آن روزها بود که بسیاری با تحلیل عملی و طبقاتی وداع گفته و به جای آن خرافات را نشاندهند. به ضریح ائمه اطهار دخیل بستند. زنجیر زدند و دسته راه انداختند. پراگماتیسم، پرده پوشی حقایق و زد و بند را جا انداخته و به جای تحلیل علمی نشاندهند.

آری، پیچیدگی های مسایل از یک سو و به فراموشی سپردن ابتدایی تری اصول از سوی دیگر "روشنفکران" ما را به این تنگنا انداخته است. به نظر من تنها یک راه، برای حداقل آن هایی که شاید هنوز مدعی مارکسیسم هستند، باقی می ماند و آن هم بازگشت به اصول اساسی تفکر علمی است. هر چیز دیگری جز تعمیق تناقضات و سرگیجه ها راه به جای دیگری نخواهد برد.

بقیه از صفحه ۱۱

آب یک اثر متفکرانه و ارزنده و کاری ماندنی در سینمای ایران است و مرا یاد فیلم «شب قوزی» فرخ غفاری انداخت. این فیلم را به نظر من باید بیش از یکبار دید. من در این مطلب نکات اصلی این فیلم را سعی کردم مورد بحث قرار دهم و این مطلب را نوشتم که هم توجه کسانی که علاقمند به دیدن فیلمهای خوب ایرانی هستند به این فیلم جلب شده باشد و هم توجه به این نکته که باید برای درک زبان استعاره ای که در این فیلم به کار رفته تأمل کنند، زبانی که خود من احتمالاً نکاتی از آن را ممکن است درست نفهمیده باشم. همچنین این مطلب را برای تقدیر از زحمتی که کارگردان برای ساختن این فیلم کشیده و انزجار از عملکرد سانسورچیان رژیم ضد ایرانی جمهوری اسلامی که رنجی فرساینده به فرهنگسازان ایران تحمیل می کنند نوشتم. به امید روزی که با برچیده شدن بساط رژیم مالاها هنرمندان و روشنفکران کشور در خدمت به اعتلای فرهنگ و هنر سرزمین خویش از رنج سانسور رهایی یابند و امیدوارم روزی هم فیلمی از زخمهای اسلام بر پیکر ایران از زمان حمله اجداد خمینی، خامنه ای و خاتمی به ایران و سریالهای تلویزیونی از رزم قهرمانانه مردم ایران به فرماندهی و رهبری سردارانی چون بابک خرمین در برابر اجداد امثال پاسدر نقدی و ذوالقدر و نظری وصفوی، (که مثل همان کرمهای پنهان در زیر خاک که در فیلم از آن صحبت می شود، یکدفعه اینهمه بیرون ریختند)، ساخته شود. به امید آن روز

mofasser@myway.com

فاجعه بیمارستان مهر، اول بشر

سپس حقوق بشر

بقیه از صفحه ۱۸

کرده اند و می گویند باید آزادی، برابری و حقوق بشر داشته باشیم در حالی که آنها از اسلام می ترسند نه از حقوق بشر. او بدین صورت، بسیار روشن، شنوندگانش را از دنیای امروز به قرنهای پیش پرتاب کرد.

فاجعه بیمارستان مهر در هیچ کشور متمدنی هرگز بدین وسعت رخ نمیداد و اگر استثنایی هم وجود داشت و حتی یک نفر بدین صورت جانش از دست می رفت تمامی دست اندر کاران آن به پای میز محاکمه کشیده می شدند...

بار دیگر یادآور می شویم که برای سرنگونی این قاتلان و دزدان فریبکار، تنها مردم تحت ستم هستند که باید به مبارزه برخیزند. رژیمهای امپریالیستی که بر پایه منافعتشان با مردم ایران رفتار می کنند، در برابر خشم خروشان مردم به پس رانده می شوند.

به حمایت از خانواده قربانیان بیمارستان مهر بشتابیم و جنبش عدالت خواهی را با مطالبات گوناگون اجتماعی پیوند دهیم.

۷ اردیبهشت ۱۳۸۳